



## فقه، زن و حقوق بشر/ گفت و گو

پدیدآورنده (ها) : مهریزی، مهدی

فلسفه و کلام :: نشریه ضمیمه خردنامه همشهری :: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ - شماره ۲۰

صفحات : از ۲ تا ۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/98799>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تحلیل عدالت جنسیتی در مناسبات عاطفی، اخلاقی و اقتصادی خانواده
- ضرورت های ورود ناجا به مبارزه با جرایم اقتصادی
- قرائتی زن محور از گزاره های اخلاقی قرآن
- ضرورت متدشناسی روش تفسیر مقاصدی در روش تفسیر عصری
- متن‌گرایی تاریخی؛ نگاهی به روش تفسیری آمنه ودود با تمرکز بر تفسیر آیه ۳۴ سورة النساء
- قرائتی نو از قرآن با رهیافتی زن‌محور بررسی دیدگاه‌های آمنه ودود در کتاب قرآن و زن
- نقد و بررسی تاریخ ولادت و شهادت امام جواد (ع)
- مناسبات امام جواد(ع) با شیعیان ساکن منطقه جبال ایران
- بررسی نظریه شیخ مفید درباره شهادت امام جواد(ع)
- سبک زندگی و سیره اخلاقی امام جواد علیه السلام
- درآمدی بر تقسیم و تحلیل روایات سیاسی - اجتماعی امام جواد علیه السلام
- آسیب‌شناسی برنامه‌های حمایتی دولت از رشد کسب و کارهای خانگی از دیدگاه زنان صاحب کسب و کارهای خانگی در ایران

## عناوین مشابه

- فقه، زن و حقوق بشر (بخش اول)/ گفت و گو
- حقوق بشر و زن ایرانی/ گفت و گو
- فقه و حقوق بشر/ گفت و گو
- درآمدی بر گفت و گو/ بحثی میان حجة الاسلام عباس کعبی و تیم واترز در باره حقوق بشر
- حقوق و وظایف زن از نگاه قرآن/ گفت و گو
- جهانی شدن گفت و گو و جهانشمولی حقوق بشر
- گفت و گو: دیوار موهوم میان اسلام و حقوق بشر (گفت و گو با عبد اللهی النعیم متفکر نواندیش سودانی)
- حقوق بشر، آرمان مشترک بشریت (۱) و (۲)/ گفت و گو
- گفت و گو: بایسته های فقه و حقوق
- تبیین حقوق بشر و هم‌گرایی مسلمانان از منظر فقه و حقوق اسلامی



# فقه، زن و حقوق بشر

گفت‌وگو با حجت الاسلام مهدی مهریزی  
بخش پایانی

حجت الاسلام مهریزی در بخش پیشین این گفت‌وگو ابتدا به برآیند نظر اسلام درباره برابری زن و مرد پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که آیا اجرای احکام اسلام به زیان زن تمام می‌شود. پس از آن با ورود به حوزه فقه، که حوزه مطالعات و تحقیقات اوست، فضای ایجاد شده در آثار فقهی در موضوع زن را محصول روایت‌زدگی و نگاه مردسالارانه فقه دانست. مهریزی در بخش پایانی این گفت‌وگو از ملاک بودن «جهت‌گیری کلی قرآن» برای حکم درباره مسایل زنان می‌آغازد.

**حجت الاسلام مهریزی:** همه معنای موافقت با قرآن این نیست که روایت، جزئاً و کلاً با قرآن مطابق باشد. اگر مطلب در قرآن ذکر شده باشد که اصلاً نیاز به روایت و عرضه آن نیست. به نظرم معنای عرضه روایات این است که با جهت‌گیری کلی قرآن همسو باشد. آیا قرآن در خلقت زن و مرد، آن‌جا که شکل تکلیف را بیان می‌کند، به تفاوت‌های تکوینی اشاره کرده است؟ این می‌تواند مبنا باشد. باید ببینیم وقتی بحث مشارکت زن و مرد یا بحث حقوق و تکالیف مطرح است، جهت‌گیری قرآن به چه سمت است؟ باید جهت‌گیری قرآن را مبنا و معیار قرار دهیم. اگر بنا باشد قرآن را بیانگر جزئیات ندانیم و بگوییم کلیات هم که کلی است، پس معنای این همه روایت درباره عرضه حدیث بر قرآن و سنت قطعی چیست؟ به نظر من آنچه مهم است همسویی این روایات با جهت‌گیری‌های قرآن است؛ مثلاً برای به دست آوردن آن مبنا در بحث خلقت زن و مرد خوب است ببینیم این ماجرا چگونه بیان می‌شود و چه مقدار تفاوت در خلقت زن و مرد مطرح می‌شود؟

**خردنامه:** تا به حال به این نتیجه رسیدیم که فقیهان ما مقدمات، و به ویژه مباحث مقدماتی مربوط به مباحث قرآنی را به خوبی طی نکرده‌اند و این انحراف‌ها پیش آمده است.

**حجت الاسلام مهریزی:** من به این حالت انحراف نمی‌گویم. این در واقع نوعی دیدگاه است. به نظر من یک نوع نگاه مردانه در فقه وجود دارد. به «کتاب حجر» جواهر نگاه نکنید. در بحث بلوغ دختر و پسر در روایات اختلاف است. روایات، سن بلوغ پسر را چهارده، سیزده و شانزده سال، و سن بلوغ دختر را نه، ده و سیزده سال ذکر کرده‌اند. مرحوم صاحب جواهر درباره بلوغ پسر بیست و شش صفحه بحث می‌کند و بارده روایاتی که سن بلوغ پسران را شانزده سال می‌داند، ملاک شانزده سالگی را می‌پذیرد. در بحث بلوغ دختران نیز به همان مقدار در روایات اختلاف هست.

به نظرم این طور می‌رسد که مردها بیشتر به فقه می‌پرداختند و اگر خود زن‌ها به این مسایل می‌پرداختند، نتایج فرق می‌کرد. این نگاه مردانه به فقه است؛ یعنی فقیه ناخودآگاه به این سمت حرکت می‌کند. ممکن است مبنایش این باشد که مثلاً مشهور این چنین گفته‌اند. اگر جست‌وجو کنید می‌بینید که در روایات و فقه ما عدد در بیان سن بلوغ

(منش) و آن‌گاه در ردّ پذیرش آن دلیل کافی ارائه کنیم (روش). فمینیسم اینک مسأله ماست؛ زیرا از یک سو ذهن و زبان گروهی از نویسندگان و فرهنگیان ما را به خود مشغول داشته است و در ذیل عناوینی چون «زن»، «حقوق بشر»، «مشارکت جمعی» و «جامعه مدنی» به محتوای فمینیسم پرداخته می‌شود.

از سوی دیگر در جامعه ما، که سودای دیانت در سر دارد، موضوع فمینیسم و متعلقات آن با حوزه رسمی شریعت (فقه) به شدت مربوط می‌شود، و در واقع، تقاضای پاسخ می‌کند. تلاش برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فمینیسم، فضایی را ایجاد خواهد کرد که اصالت و توان‌مندی و روزآمدی اندیشه اسلامی و فقه شیعی در آن بی‌تردید ظهور خواهد کرد. پدید آمدن چنین فضایی از پاسخ‌گویی، بی‌تردید، بازنگری عالمانه، دیندارانه و روشنفکرانه در میراث ارجمند سنت را در پی دارد. هم‌اینک در حوزه‌های علوم دینی شیعی بارقه‌هایی شگرف و امیدآفرین برای گام زدن در این راه نرفته به چشم می‌خورد.

توجه به فمینیسم از سوی حوزه‌های خودی هرگز و هیچ‌گاه به معنای همداستانی با آن و تأیید مطلق آن نیست، بلکه نشانگر این ایده است که نقد و ابطال هر آنچه به عنوان فرآورده‌ای فرهنگی مطرح باشد، تنها با شناخت آن فرادست می‌آید و شناخت نیز آن‌گاه جلوه می‌کند که «خود» را از میانه برداریم و در جست‌وجوی «حقیقت» باشیم. این که بگوییم: «فمینیسم خوب است، اما آن فمینیستی که ما می‌گوییم»، ربطی به جست‌وجوی حقیقت ندارد و در واقع همان «خودخواهی» است. مادر نقد و گفت‌وگو «خود» را باز می‌بایسیم و «دیگری» را می‌شناسیم و محصول این بازیابی و شناخت البته برای هر دو سو مغتنم و برکت‌زا است. بی‌رعایت این آداب، چنان‌که برخی تجربه‌ها نشان می‌دهد، در موضوعات روزآمد، گفتمان‌هایی بر کرسی خواهد نشست که فقط قالب آنها اسلامی و دینی است، اما دوزنمایه آنها هر لحظه در معرض اتهام ناکارآمدی و واپس‌گرایی است. ما می‌توانیم شریعت را کارآمدترین پارادایم برای سامان‌دهی جامعه امروز بدانیم، به شرطی که آن را نیک بشناسیم، به عرصه‌ها و قالب‌های نوین ببندیم، تدافعی نباشیم و از اندیشه مقابل استقبال کنیم.

۳- ویژه‌نامه فمینیسم (۱ و ۲) بخشی از تلاش خردنامه همشهری برای توصیف و معرفی فمینیسم است که تمام نکات پیشگفته را در مدنظر داشته است. صفحات این دو ویژه‌نامه اگر باکسی به گفت‌وگو نشست یا امکان درج نوشته‌ای را فراهم آورد، به نیت آن بود که موضوعی چنین مهم در قالبی ژورنالی صورت بندد. خردنامه در این تلاش، خود را برکنار از توفیق نمی‌بیند و نقدها و نظرها را نیز مشتاقانه و بی‌دریغ می‌شنود و می‌خواند. آنچه مهم است این است که هم بر آیین خرد بپوییم و هم رونق مسلمانی نبریم؛ چنین باد!

خردنامه همشهری

۱- حتی اگر فمینیسم را سر تا پا فرآورده‌ای مادی و غربی بدانیم و به این دلیل هیچ وجه قابل توجهی را در آن سراغ نگیریم، باز هم گریزی و گزیری از شناخت و توجه به آن نداریم؛ زیرا فمینیسم، که اینک بی‌تردید از حد و اندازه یک نگرش فراتر رفته و به گفتمان بدل شده است، بر آستانه‌خانه ما ایستاده و، با اصرار، در می‌کوبد. خطای بزرگی است که درونه این گفتمان را محدود به مفاهیمی چون حقوق، اجتماع و اقتصاد بدانیم و چنان بپنداریم که اوج نظریه فمینیستی، درخواست وضعیتهایی برابر برای زنان و مردان در این عرصه‌های سه‌گانه است.

این گفتمان دیری است که از «معرفت‌شناسی فمینیستی»، «دانش فمینیستی» و مفاهیمی دم می‌زند که معنای پذیرش آنها اختلال در هنجارهای بنیادین نظری و عملی است. چنین فمینیسمی نه تنها به «تجربه‌زانه» می‌پردازد، بلکه در مشروعیت «روایت‌های مردانه»، در تمامی قلمروهایی که به فرهنگ بدل شده‌اند، تردیدها و انکارهای جذبی روا می‌دارد. «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، که جلوه آشکار حقوق بشر زنانه است، تنها یکی از آثار پدیده‌ای است که اینک

آن را «باززات فمینیستی» می‌نامند؛ جلوه‌ای که برخی کشورهای اسلامی در رد و قبول آن سرگردانند. این همه، وضعیتی است که غرب معاصر، به اقتضای تجربه عظیم تمدنی خود، پیش آورده است. ما در رویارویی با آن، چون همیشه، این پرسش را فرا روی خود می‌بینیم که: «چه باید کرد؟».

۲- رد و انکار فمینیسم و جلوه‌های آن، آن‌گاه که مسبوق به سابقه‌ای در آگاهی متکرران نباشد، ساده‌ترین و بی‌دردس‌ترین راه پاسخ‌گویی به آن است، و البته گرهی از کار فرو بسته نمی‌گشاید. چنین رد و انکارهایی آن‌گاه که با صداقت آمیخته نباشد و در عرصه‌ای وهمی و غرض‌آلود صورت بندد، تأثیری به مراتب ویرانگرتر خواهد داشت، گذشته از این که نشان از بدسلیقگی و کوتاه‌بینی نیز خواهد بود. شگفتا که چنین رویکردی گاه از دین‌مداران و اصول‌گرایان دیده می‌شود.

اما پذیرش ناآگاهانه نیز به همان اندازه، بلکه بیشتر، تأسف‌بار است. چنین پذیرش‌گانه در جلوه مند و ادا و اصول‌های جهان‌سومی رخ می‌نماید و گاه نیز - اگرچه با گونه‌ای آگاهی نرفته نیمه همراه است - اما ره به جایی نمی‌برد؛ چرا که اقتضائات بومی در آن نادیده گرفته می‌شود.

با انوسوس باید گفت که این هر دو رویکرد افراطی و تفریطی در موضوع فمینیسم در محافل فرهنگی کشور ما دیده می‌شود. یافتن راه وسط به هیچ روی دشوار نیست؛ اگر موضوع فرهنگی، به دلیل تراجم با حوزه‌ها و رفتارهای غیرفرهنگی آسیب‌نبیند، اگر در روش و منش، آداب نظریه‌پردازی و نقد را پاس بداریم، اگر طرف مقابل را پیشاپیش فرو نکوییم و...، از افراط و تفریط کناره می‌گیریم. اولین لازمه نقد فمینیسم این است که آن را به مثابه یک «مسأله» قابل نقد بدانیم

## ما و فمینیسم

توجه به فمینیسم از سوی حوزه‌های خودی هرگز و هیچ‌گاه به معنای همداستانی با آن و تأیید مطلق آن نیست، بلکه نشانگر این ایده است که نقد و ابطال هر آنچه به عنوان فرآورده‌ای فرهنگی مطرح باشد، تنها با شناخت آن فرادست می‌آید و شناخت نیز آن‌گاه جلوه می‌کند که «خود» را از میانه برداریم و در جست‌وجوی «حقیقت» باشیم.



● باید ببینیم وقتی بحث مشارکت زن و مرد یا بحث حقوق و تکالیف مطرح است جهت گیری قرآن به چه سمت است؟ باید جهت گیری قرآن را مبنا و معیار قرار دهیم. اگر بنا باشد قرآن را بیانگر جزئیات ندانیم و بگوییم کلیات هم که کلی است پس معنای این همه روایت درباره عرضه حدیث بر قرآن و سنت قطعی چیست؟ به نظر من آنچه مهم است همسویی این روایات با جهت گیری های قرآن است.

مطرح نبوده است. در آثار شیخ صدوق و فقیهان قبل از شیخ طوسی این مطلب پیدا است. همه ملاک بلوغ را در مردان «خلم» و در زن ها «حیض» دانسته اند. با دنبال کردن تاریخ فقه نیز به چنین چیزی می رسیم، ولی به هر حال به این مسأله کمتر توجه شده است.

خردنامه: شما بررسی هایی درباره معدود زنان مجتهد به انجام رسانده اید. دیدگاه آنان درباره این مسأله چیست؟  
حجت الاسلام مهریزی: در دوره های قبل سابقه نداشتن زنان در فقه است. به اجتهاد برسد و آثاری از آن ها باقی بماند که بتوان بررسی کرد. در دوره جدید هم تعداد این خانم ها خیلی اندک است. یکی از همین خانم ها می گفتند که در حال بحث درباره موضوع بلوغ است. ولی این گروه نیز چون از اول در همین فضای فقهی حرکت و رشد کرده اند، کمتر به نکاتی که گفتم توجه کرده اند.

خردنامه: اشاره کردید که نمی توانیم از سنت دست برداریم، با این نگاه مثلاً در موضوع حجاب چه می توان گفت؟ بالاخره حجاب زنان در آن زمان حد و حدود خاصی داشته است. اصل حجاب که از مسلمات

● ما امروز باید بتوانیم نگاهی معقول و قابل فهم از دیدگاه اسلام درباره زن ارایه دهیم.

برای تحقق این مقصود، مهم ترین کار همان حرکت به سمت قرآن و قرآن محوری و سنجدین روایات با قرآن است و نیز به گذشته و تاریخ فقه و به افعال معصومان (ع) توجه کردن. تنها به اقول معصومان نگاه نکنید.  
در موارد زیادی، به دلایلی، بین قول و فعل ناسازگاری می بینیم در حالی که افعال کمتر دست خوش تحریف و جعل شده اند تا اقوال.

● ما باید به اصول سنتی اجتهاد توجه کنیم و از محور کتاب و سنت خارج نشویم و مدار ما در اظهار نظرهای فقهی و دینی کتاب و سنت باشد؛ این معنای اجتهاد جواهری است. معنایش این نیست که فقط کتاب «جواهر» را ببینیم. فقها برای پاسخ گویی به بسیاری از اشکالاتی که الان هست به سراغ کتاب های چهار قرن قبل نمی روند.

است، اما محدوده و اشکال حجاب چیست؟ و آیا در زمان های مختلف می تواند متفاوت باشد؟

حجت الاسلام مهریزی: من تفاوت زمان ها را در تغییر حکم دخیل ندانستم. مواردی را که دلیل داشتیم بیان کردم؛ مثلاً بحث «شهادت» را مطرح و به تعلیل موجود در آیه اشاره کردم. چرا در آیه شهادت و آیه بناء به دو تعلیل (آن تضل احدهما فتذكر احدهما الاخری) و (فتبینوا ان تصیبوا قوماً بجهالة) عمل نمی شود؟ یا در بحث «اذن» که گفتم شواهد روایی فراوان داریم.

در سخنان من موردی را نمی یابید که بدون شاهد تاریخی و فقهی و صرفاً به دلیل تفاوت زمانی ذکر شده باشد. ادعای ما این نیست که صرف تفاوت شرایط، باعث تغییر دیدگاه می شود. من چنین سخنی نگفتم. اما اگر شواهد و ادله درون دینی به همین سبک اجتهاد جواهری باشد، مشکلات کمتر خواهد شد.

معنای تعبیر «فقه جواهری» مرحوم امام (ره) این نیست که اجتهاد پویا نیست. به نظر من جمع این دو به این است که اجتهاد جواهری می تواند مقلد صاحب جواهر باشد. ما باید به اصول سنتی اجتهاد توجه کنیم و از محور کتاب و سنت خارج نشویم و مدار ما در اظهار نظرهای فقهی و دینی، کتاب و سنت باشد؛ این معنی اجتهاد جواهری است.

معنایش این نیست که فقط کتاب «جواهر» را ببینیم. فقها برای پاسخ گویی به بسیاری از اشکالاتی که الان هست به سراغ کتاب های چهار قرن قبل نمی روند.

این رویکرد در مباحث مربوط به زنان، به خوبی جواب می دهد. در بحث های دیگر هم همین طور است. برای استنباط در مباحث دیگر نیز باید قرآن محوری را به عنوان یک اصل پذیرید.

بعضی از علمای معاصر شکایت کرده اند که در استنباط های فقهی به قرآن کمتر توجه شده است. منتها در بعضی موارد، مثل بحث زن و مرد، نتایج این کم توجهی را ملموس تر می بینیم. نگاه تاریخی به مسأله داشتن، پیشینه تاریخی مسأله را دیدن، آرای شیعه و اهل سنت بررسی کردن و این قبیل کارهایی که فقهای قبل کردند حکمت و جهت داشته است.

مثالی غیر از بحث زنان بیاورم: در بحث «رمی جمرات» تاریخ می گوید که امامان (ع) با فاصله زیاد سواره رمی می کردند و می رفتند. اگر ملاک رمی، خوردن سنگ به ستون باشد، انسان گاهی از نزدیک هم نمی تواند رمی کند، چطور رمی کردن در حالت سواره و از این فاصله زیاد ثواب دارد؟ اگر به خود این روایت توجه کنیم می فهمیم که رمی جمرات، رمی القصد است. پس معلوم می شود که آدم جدید می تواند

چیز جدید بفهمد.

فضای سخن، شرایط گذشته و حمل بر تقیه نیز از موارد شایان توجه در موضوع مورد بحث ما است. گاه می بینیم به آسانی حدیث حمل بر تقیه می شود. این مایه تعجب بسیار من است که آن قدر که به رجال پرداخته شده، به نقد متن و محتوا توجه نشده است. نزدیک به دویست جلد کتاب در میان شیعه و اهل سنت راجع به «کتاب»، به عنوان منبعی برای استنباط، نوشته شده است؛ پرسش این است که چند کتاب راجع به نقد متن نوشته شده است؟ یعنی همان بحث عرضه روایات بر قرآن، سنت، و احتیاط. ما در روایات شیعه شش-هفت ملاک داریم که بعضی مطلق است و بعضی در تعارض با روایات است. عرضه بر قرآن، عرضه بر سنت، شهرت، احتیاط و... بعضی از حرف های اخباریون شاید بی جا نباشد. یکی از اشکالاتشان این است که خیلی از موارد از سوی اهل سنت به سمت ما آمده است. ممکن است این حرف غلوآمیز باشد، ولی فکر می کنم مقداری جای تأمل دارد. اگر نگویم این سخن صددرصد درست است، ولی جاهایی از آن شایان تأمل است.

ما در بعضی موارد اقتباس کرده ایم و به جایگاه نظریه ای که اقتباس کرده ایم خیلی نیندیشیدیم. شما «رجال» نجاشی و «فهرست» شیخ را ببینید؛ اصلاً این ها رجال نوشته اند، بلکه فهرست آثار شیعه را

نوشته اند. اسم رجال نجاشی «فهرس مصنفات الشیعه» است. شیخ طوسی هم که رجال نوشته، آن را برای بررسی سند رجال نوشته. حرف شیخ طوسی این است که سنی ها به ما اعتراض می کنند و می گویند شما روایت و راوی کم دارید، من می خواهم بگویم زیاد داریم.

اصلاً ببینید اصول اربعه رجالی با چه انگیزه های تألیف شده است. اصول اربعه رجالی ما با این انگیزه که علم رجال به معنای امر وزین در اختیار داشته باشیم، تألیف نشده است. مقدمه شیخ طوسی را در «رجال» و در «فهرست» بخوانید و مقدمه نجاشی را هم بخوانید. این نشان می دهد که اگر بنا بود فقاقت ما بر این رجال استوار شود و به این معنی باشد، جور دیگری می گفتند.

مرحوم آیت الله خوئی در مقدمه «معجم رجال الحدیث» گفته اند که ادله فقه، قرآن، سنت، اجماع و عقل است. قرآن که محدود به آیات الاحکام است؛ اجماع نیز به سنت برمی گردد؛ عقل هم که هیچ؛ بنابراین سنت هم عمده اش خیر واحد است و خیر واحد هم به سند احتیاج دارد و آن هم متکی به علم رجال است. در میان قدما چه کسی این طور استدلال کرده است؟ اما در عین حال این سبک رایج شده و پیش آمده است.



خردنامه: در میان سخنانتان اشاره کردید که نگاه فقهی یک نگاه مردسالارانه بوده است...

حجت الاسلام مهریزی: ... بعضی علما به این مطلب تصریح کردند؛ مثلاً آقای مصباح در نوشته هایشان تصریح کردند که نظام اسلام طرفدار نظام مردسالارانه است. این را به صراحت گفته اند و از آن دفاع هم می کنند.

خردنامه: آیا می توان به قرائتی از فقه برسیم که با قوانینی که در جوامع بشری تحت عنوان «حقوق زن» و «حقوق بشر» وضع شده است، همخوان شویم؟ به گونه ای که تعارضی در میان نباشد؟

حجت الاسلام مهریزی: برای من مسأله به این صورت تصویر نمی شود که بگوییم ما می خواهیم همراه و همسو شویم. آنها باعث می شوند که ما در عرضه دین مان به خودمان بیاییم.

مرحوم شهید صدر در کتاب «المدرسه القرآنیة» در بحثی می گوید: ما امروز باید به جای تفسیر تطبیقی باید به سراغ تفسیر موضوعی برویم و در مورد اسلام نظام مند حرف بزنیم.

پرسش این است که چرا قرآن را در همان دوران آغازین نظام مند عرضه نکردند؟ ایشان می گوید: چون آن زمان کفر، منسجم نبود و نیاز به این کار احساس نمی شد.



امروزه کفر خودش را منسجم کرده و ما نیز باید خودمان را منسجم نشان دهیم. او نظام سیاسی دارد، ما هم باید «نظام سیاسی» به دست دهیم نه «احکام سیاسی». او نظام تربیتی دارد، ما نیز باید چنین نظامی را ارایه دهیم.

شهید صدر در مقدمه «اقتصادنا» می گوید ما به این انگیزه خواستیم نظام اقتصادی اسلام را به دست دهیم. این کار به معنای نظام مند کردن فقه است. من از این مطلب می خواهم برای حرف خودم استفاده کنم که در واقع دنیا به سمتی حرکت می کند که گاهی ما را به خود می آورد. تلنگر می زند تا ما فکر کنیم و احکاممان را به گونه ای معقول برای انسان ها عرضه کنیم؛ یعنی به گونه ای که بشود از آن دفاع کرد؛ چون حوزه تعبدیات، حوزه اندک فقه و اسلام است و جای بحث و چون و چرا در آن کم است.

گروه زیادی از فقیهان و متفکران معاصر - کسانی مانند آقایان معرفت، مرحوم مغنیه، مرحوم شمس الدین و محمدحسین فضل الله و شهید صدر - معتقدند که در غیر عبادات می توانیم در باب علل، مقاصد و ملاکات تعلیل کنیم. این گروه تصریح کرده اند که در حوزه عبادات جا برای عقل ورزی و کشف ملاکات و مقاصد باز است؛ بنابراین وقتی

نقل می کنند که حضرت زهرا(س) از پیامبر(ص) پرسیدند: «چه چیزی برای زن خوب است؟» پیامبر(ص) نیز فرمودند: «آن لایراها رجل و لا تراجلا؛ این که نه مردی او را ببیند و نه او مردی را». اگر این طور بود، سلمان چگونه کیودی صورت را دید؟ سخنران قبلاً فکر نکرده که این تعارض را حل کند. می توانیم بگوییم این حدیث مرسل است، سند ندارد و قول است. ولی افعال چنین نیست. سیره ائمه چگونه است؟ به نظر من امروزه واقعا اتفاق نظر به شکلی است که موارد زیادی برخلاف آن پیدا می شود، در نوع روابط با زن ها، تکریم جایگاه زن، و مسائلی از این قبیل. این ها را باید رعایت بکنیم. نمی گویم با حقوق بشر موافق و همراه شویم، بلکه، به تعبیر خودم، می گویم باید داشته های خودمان را به گونه ای معقول عرضه بکنیم، و سازوکار آن هم در همین سیستم فقهی و اجتهادی ما وجود دارد؛ یعنی اسلوب و مایه های آن هست، فقط باید به کار گرفته شود و استفاده شود.

خردنامه: بینش حضرت امام(ره) را درباره زن چگونه می بینید؟  
 حجت الاسلام مهریزی: من پیش از این مطالبی در توصیف نگرش امام درباره زن نوشته بودم تحت عنوان «امام خمینی و گسترش آزادی زن».

این نگاه بسیار غلطی است که

زن یعنی غریزه جنسی و بر این اساس بخواهیم چارچوبی را طراحی کنیم. این که گاه زن و مرد به آب و آتش تشبیه می شوند و اگر به هم نزدیک شوند، چه آب و آتش تشبیه می شوند و اگر به هم نزدیک شوند، چه خواهد شد، مسائلی را به وجود آورده و باعث محدودیت شده است. زن و مرد انسانند و می توانند انوئت و ذکورت خود را در محیط خانواده مخفی کنند و در جامعه به صورت انسان باشند، و این شدنی است و طبیعی هم هست. چنان تفکری در جامعه های بسته فکر بروز می کند. در جامعه ای که زن و مرد به صورتی طبیعی شاغل اند، چنین نیست، ولی در جامعه ای که زن ها فقط خانه دارند و گاهی بیرون می آیند، مردها نگاه دیگری به آنها دارند. نوع فرهنگ سازنده این طرز فکر است نه واقعیت زن بودن و مرد بودن. واقعیت زن و مرد این نیست. وقتی شکل طبیعی روابط حاصل شود، این تفکر هم از بین می رود.

مجموعه سخنان امام در کتابی جمع شد. وقتی به این مجموعه نگاه می کنیم جایگاه زن را با جایگاه مرد در تکوین، در خلقت و در حوزه هایی که به انسانیت برمی گردد، برابر می بینیم و همین طور آزادی هایی که برای زن در حوزه اشتغال، تحصیل، برابری های حقوقی وجود دارد.

به نظر من نگاه امام به مقوله زن از همان اوایل انقلاب به همین شکل و در همین قالب است. سخنان هر ساله امام به مناسبت روز ولادت حضرت فاطمه(س) و روز زن در همه جا مطرح شده است. این ها همه نشان دهنده جایگاهی است که ایشان برای زن قائل بودند. امام(ره) یک بار اشاره کردند که جبرئیل بعد از رحلت پیامبر(ص) به طور مستمر بر حضرت فاطمه(س) نازل می شد، و از همین سخن، مطالب بسیاری استفاده کردند. به نظر من نگاه امام، چنین نگاهی است.

خردنامه: چنان که اشاره کردید، بخشی از دیدگاه رایج فقهی در باب زن، محدودیت هایی است که برای زن از باب احتیاط درست می شود. چرا فقیهان احتیاط را به آن طرف نبرده اند و همیشه این طرف و در ناحیه زنان احتیاط کرده اند؟ در حالی که بنا بر نقل شما زن به جایی می رسد که می تواند با جبرئیل همکلام شود؟

حجت الاسلام مهریزی: به نظر من مقداری از دلایل وجود باقی مانده همان تفکرهایی است که در آغاز گفت و گو به آنها اشاره کردم. تضاد منافع یک بحث جدی است و نمی شود از آن صرف نظر کرد. حتی مردهایی که خیلی تابع هستند و



دنیا به این سمت حرکت می کند باعث می شود که ما به داشته های خودمان فکر کنیم و آنها را به گونه ای عرضه کنیم که امروز در دنیا حرف های پذیرفتنی و قابل دفاع داشته باشیم.

ما باید با این نگاه باید به سراغ استنباط ها برویم، نه این که بخواهیم خودمان را با فلان سازمان، فلان نهاد و... سازگار کنیم. مگر مخاطب دین انسان ها نیستند؟ مگر دین نمی خواهد همه انسان ها را به خود دعوت کند؟ مگر نمی خواهد سخنی عرضه کند که انسان ها بفهمند و به آن روی بیاورند؟ پرسش اصلی بسیاری از کسانی که به اسلام دعوت می شوند، مسأله دیدگاه اسلام در باب زن است و مثلاً در باب آیه «اذن» می پرسند. این سؤال ها فراوان است.

ما امروز باید بتوانیم نگاهی معقول و قابل فهم از دیدگاه اسلام

درباره زن ارایه دهیم. برای تحقق این مقصود، مهم ترین کار همان حرکت به سمت قرآن و قرآن محوری و سنجدین روایات با قرآن است، و نیز به گذشته و تاریخ فقه و به افعال معصومان(ع) توجه کردن. تنها به اقوال معصومان نگاه نکنید.

در موارد زیادی، به دلایلی، بین قول و فعل ناسازگاری می بینیم، در حالی که افعال کمتر دست خوش تحریف و جعل شده اند تا اقوال؛ مثلاً نقل شده است که سلمان فارسی دید که صورت حضرت زهرا(س) زرد و کیود است. اهل منبر آن را نقل می کنند، ولی قبلاً این روایت را

برای استنباط باید قرآن محوری را به

عنوان یک اصل بپذیرید.  
 بعضی از علمای معاصر شکایت کرده اند که در استنباط های فقهی به قرآن کمتر توجه شده است.

منتها در بعضی موارد، مثل بحث زن و مرد، نتایج این کم توجهی را ملموس تر می بینیم. نگاه تاریخی به مسأله داشتن پیشینه تاریخی مسأله را دیدن آرای شیعه و اهل سنت، بررسی کردن و این قبیل کارهایی که فقهای قبل کردند حکمت و جهت داشته است.

حرف های قشنگ می زنند، وقتی که پای خانواده خودشان در میان است، همه شان به این صورت نیستند. آن جا دیگر بحث منافع، قدرت و حاکمیت مطرح است و بنابراین مردسالار می شوند و ناخودآگاه نگاه مردانه تأثیر می گذارد.

بعضی هست تحت عنوان «مهم زنان در نشر حدیث». فراوانند زنانی که در نشر و گسترش حدیث نقش داشته اند.

در اهل سنت نزدیک به چهارصد زن را شناسایی کردند که تا قرن دهم اجازه حدیث به آنها دادند یا گرفتند. خیلی از آنها اجازه حدیث داده اند. ده - پانزده نفر اهل حدیث زن در شیعه کارهای عالمانه در حوزه حدیث کرده اند و کتاب های حدیثی نوشته اند و روایت نقل کرده اند. در منابع اهل سنت حدود ده هزار روایت را زنان نقل کرده اند. در منابع حدیثی ما بیش از هزار راوی زن هستند.

وقتی بر روی این موضوعات به صورت جزئی و دقیق مطالعه شود، معلوم می شود توانمندی های زنان، تا آن جا که فرصت پیدا کرده اند، به فعلیت رسیده است. الان هم اگر آن شرایط فراهم شود - که بخشی از آن در کشور ما و در دنیا هم فراهم شده است - بازتاب های مثبت و درستی خواهد داشت.

این نگاه بسیار غلطی است که زن یعنی غریزه جنسی و بر این اساس بخواهیم چارچوبی را طراحی کنیم. این که گاه زن و مرد به آب و آتش یا پنبه و آتش تشبیه می شوند و اگر به هم نزدیک شوند، چه خواهد شد، مسائلی را به وجود آورده و باعث محدودیت شده است. زن و مرد انسانند و می توانند انوئت و ذکورت خود را در محیط خانواده مخفی کنند و در جامعه به صورت انسان باشند، و این شدنی است و طبیعی هم هست. چنان تفکری در جامعه های بسته فکر بروز می کند. در جامعه ای که زن و مرد به صورتی طبیعی شاغل اند، چنین نیست، ولی در جامعه ای که زن ها فقط خانه دارند و گاهی بیرون می آیند، مردها نگاه دیگری به آنها دارند. نوع فرهنگ سازنده این طرز فکر است نه واقعیت زن بودن و مرد بودن. واقعیت زن و مرد این نیست. وقتی شکل طبیعی روابط حاصل شود، این تفکر هم از بین می رود.

من در بعضی موقعیت ها بعضی را مطرح کرده ام تحت عنوان «مبانی معرفتی فقه زنان». در ذیل این عنوان، برای نمونه، بحث می شود فقهانی که در باب مسایل مربوط به زن آرائی صادر می کردند، چه مبانی معرفتی داشتند. بسیاری از این مباحث در آن جا قابل طرح است. یا مثلاً بحث «آسیب شناسی اجتهادهای مربوط به زنان».

خردنامه: امروزه در باره حضور زن در عرصه حکومت بحث هایی مطرح می شود. چنین موضوعی به دنبال بحثی پیش می آید که امروزه از آن با عنوان «شایسته سالاری» یاد می کنند.

در مقابل، برخی از زنان می گویند در این حالت باید مشاغل اجتماعی نصف شود و میان دو گروه زنان و مردان تقسیم شود و این همان معنای برابری و شایسته سالاری است. در این باره توضیح دهید.

حجت الاسلام مهریزی: معتمد که باید فرصت های برابر ایجاد شود. «اشغال منصب ها» چیزی غیر از «ایجاد فرصت ها» است. دولت اسلامی موظف است فرصت های برابر ایجاد کند: در تفریح، در ورزش، در ایجاد زمینه بروز خلاقیت ها.

واقعا در جامعه ما این برابری ها حاصل نشده است. در شهرها چه مقدار فضاهای ورزشی برای مردهاست و چه مقدار برای زن ها؟ در زمینه تحصیل البته برابری ایجاد شده است. اما در ورزش و در هنر فراهم نشده است. آن جا که معذورت شرعی وجود داشته که هیچ، ولی آن جایی که چنین معذورتی در میان نبود هم کسی به فکر نیست و خود خانواده ها هم هنوز به این ضرورت نرسیده اند. بنابراین ایجاد فرصت های برابر از وظایف دولت اسلامی است.

آن جا که بحث اشغال منصب ها است، باید همان شایستگی ها لحاظ شود.

البته گاهی ممکن است فرض کنیم که اگر مثلاً یک زن را به کاری بگماریم، هشتاد درصد موفقیت دارد و یک مرد نود درصد، اما اگر بسنجیم ممکن است بیایم که تأثیرات مثبت حضور زن بیشتر باشد، در این صورت، برای این که تفکر توجه به خلاقیت های زنان حاصل شود، ممکن است منصب را به زن واگذار بکنیم. البته این به آن معنا نیست آن که زن اصلاً شایستگی ندارد، بلکه ممکن است نسبتش کمتر از مرد باشد. برای اشغال منصب ها باید نصاب حداقلی شایستگی برای احراز هر مقام را قایل شد.